



مدرسان شریف

بخش اول: کلیات

فصل اول

«تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن»

❖ **ماده ۱:** آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

نکات مهم:

۱- آیین دادرسی کیفری در تقسیم‌بندی قوانین در زمره قوانین شکلی قرار می‌گیرد.

۲- ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری به تعریف آیین دادرسی کیفری پرداخته است.

۳- موضوع قانون آیین دادرسی کیفری ۱۱ مورد است.

۴- مواردی همچون صلاحیت مراجع رسیدگی و ادله اثبات نیز مربوط به قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد که در این تعریف مغفول مانده است.

(۱) تعقیب متهم؛ (۲) تحقیقات مقدماتی؛

(۳) کشف جرم که غالباً در دادسرا انجام می‌شود؛ (۴) میانجی‌گری؛

(۵) صلح میان طرفین که در دادسرا یا دادگاه انجام می‌شود؛ (۶) نحوه رسیدگی؛

(۷) صدور رأی؛ (۸) اجرای آراء که در دادگاه انجام می‌شود؛

(۹) طرق اعتراض به آراء که به مراجع تجدیدنظر اختصاص دارد؛ (۱۰) تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری؛

(۱۱) رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه که در مواد قانونی مختلف به آن‌ها اشاره شده است.

❖ **ماده ۲:** دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به صورت یکسان اعمال شود.

نکات مهم:

۱- این ماده به اصل قانونی بودن دادرسی کیفری اشاره نموده است.

۲- منظور از اصل قانونی بودن دادرسی کیفری این است که اشخاص مشمول قانون آیین دادرسی کیفری باید اقدامات خود را در چهارچوب قانون آیین دادرسی کیفری در فرآیند دادرسی منصفانه انجام دهند.

۳- اصل تضمین حقوق طرفین دعوی و اصل تساوی افراد در مقابل قانون نیز از دیگر اصول حاکم بر دادرسی منصفانه می‌باشد که در این ماده درج شده‌اند.

۴- «حقوق طرفین دعوی را تضمین کند» همان اصل تضمین حقوق طرفین دعوی است.

۵- «قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند» همان اصل تساوی افراد در شرایط مساوی در مقابل قانون است؛ زیرا خصوصیت فردی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

❖ **ماده ۳:** مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

نکات مهم:

۱- این ماده به سه اصل بی‌طرفی، استقلال قضایی و رسیدگی در مهلت معقول اشاره نموده است.

۲- منظور از بی‌طرفی مقام قضایی، برخورد مشابه و یکسان با طرفین دعواست به گونه‌ای که شائبه طرفداری یکی از طرفین دعوی را ایجاد نکند.

۳- منظور از استقلال قضایی تحت‌تأثیر قرار نگرفتن از طرفین دعوی و عوامل بیرونی است، به گونه‌ای که مقام قضایی تحت‌تأثیر نفوذ ناروا و تبعیت از دستورات خلاف قانون مقامات بالاتر قرار نگیرد.

۴- منظور از رسیدگی در کوتاه‌ترین مهلت ممکن نیز، رسیدگی در مدت زمانی است که عرفاً مدتی معقول به نظر می‌رسد و مانع از اطاله دادرسی و یا بی‌دقتی در رسیدگی می‌گردد.



(قضاوت ۹۷)

کج مثال: رسیدگی توسط دادرسی که دارای موارد رد است، کدام اصل دادرسی را نقض می‌کند؟

- (۱) توافقی بودن دادرسی (۲) براءت (۳) استقلال (۴) بی‌طرفی

پاسخ: گزینه «۴» مستند به ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی باید با بی‌طرفی صورت پذیرد و منظور از بی‌طرف عدم جانب‌داری دادرسی در رسیدگی به پرونده می‌باشد.

❖ ماده ۴: اصل براءت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

نکته: منظور از اصل براءت این است که همه افراد در ابتدا بی‌گناه فرض می‌شوند مگر آنکه خلاف آن اثبات شود.

هرگونه اقدام (محدودکننده، سالب آزادی، ورود به حریم خصوصی) جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست.

❖ ماده ۵: متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

نکات مهم:

- ۱- اطلاع متهم از موضوع اتهام از جمله مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم است که به صراحت در ماده مذکور به آن اشاره شده است. از دیگر حقوق دفاعی متهم می‌توان به: (۱) آگاهی از ادله اتهام انتسابی و (۲) حق دسترسی به وکیل اشاره نمود.
- ۲- آگاهی به این حقوق دفاعی و بهره‌مندی از آنها باید در **اسرع وقت** انجام پذیرد.

۳- مواد مرتبط با حقوق دفاعی متهم مواد ۴۶-۴۸-۱۹۰-۱۹۵-۳۵۹ می‌باشند که جلوه‌هایی از برخورداری از حقوق دفاعی می‌باشد.

❖ ماده ۶: متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

نکات مهم:

- ۱- منظور از افراد ذی‌ربط در این ماده افرادی همچون مطلعان یا خانواده‌های متهم، بزه‌دیده، شاهد و مطلعان است.
- ۲- آگاهی (متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد) از حقوق خود در فرآیند دادرسی الزامی است.
- ۳- فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین حقوق بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط الزامی است.

❖ ماده ۷: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه‌بر جبران خسارت وارده به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

نکات مهم:

- ۱- رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری الزامی است.
 - ۲- افرادی که مکلف به رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری هستند عبارت‌اند از:
 - (۱) تمام مقامات قضایی، (۲) ضابطان دادگستری، (۳) سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند.
 - ۳- ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق شهروندی در هریک از مراحل دادرسی کیفری توسط افراد فوق‌الذکر:
 - (۱) جبران خسارت وارده و (۲) اعمال مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) می‌باشد.
- ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: هریک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.
- ۴- اگر در سایر قوانین مجازات شدیدتری برای این موضوع مقرر شده باشد، مجازات شدیدتر قابل اعمال است.



مدرسان شریف

فصل دوم

«دعوی عمومی و دعوی خصوصی»

❖ **ماده ۸:** محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرمی که دارای جنبه الهی است می تواند دو حیثیت داشته باشد:

- الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلاص در نظم عمومی
ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

📖 نکات مهم:

۱- اعمال مجازات تنها ناشی از ارتکاب جرم است.

- | | | | |
|----------------------------|---|---------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲- جرم دارای دو حیثیت است: | } | ۱- حیثیت عمومی جرم: | ۱- تجاوز به حدود و مقررات الهی مثل شرب خمر |
| | | ۲- حیثیت خصوصی: | ۲- تجاوز به حقوق جامعه و اخلاص در نظم عمومی مثل ارتکاب جرم کلاهبرداری و جعل
تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین مثل ارتکاب جرم توهین یا قتل عمدی |

۳- همه جرائم دارای جنبه الهی هستند.

❖ **ماده ۹:** ارتکاب جرم می تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف - دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی؛

ب - دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است، مانند حق قذف و قصاص.

📖 نکات مهم:

۱- زمانی که جرم ارتکاب می یابد می تواند موجب طرح دو دعوی شود: ۱- دعوی عمومی ۲- دعوی خصوصی
هدف طرح دعوی عمومی: ۱- حفظ حدود و مقررات الهی ۲- حفظ حقوق جامعه و نظم عمومی است.

هدف طرح دعوی خصوصی: ۱- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۲- مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است.

۲- طرح دعوی عمومی مثل: ۱- توهین به مقام رهبری ۲- ارتکاب جرم محاربه

طرح دعوی خصوصی مثل: ۱- قذف ۲- قصاص

❖ **ماده ۱۰:** بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می شود.

📖 نکات مهم:

۱- شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شود و به عبارت دیگر جرم علیه آن انجام شود بزه دیده نامیده می شود که می تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

۲- اگر بزه دیده تعقیب مرتکب را از مقامات قضایی درخواست نماید شاکی نامیده می شود.

۳- اگر شاکی علاوه بر تعقیب مرتکب، جبران ضرر و زیان وارده را نیز مطالبه نماید مدعی خصوصی نامیده می شود.

۴- رابطه منطقی میان شاکی و مدعی خصوصی، عموم و خصوص مطلق است.

۵- بزه دیده اعم از شاکی و مدعی خصوصی می باشد که با توجه به درخواست و مطالبات وی قابل تغییر می باشد.

۶- اگر «الف» مال «ب» را از طریق توسل به وسایل متقلبانه ببرد و «الف» تقاضای تعقیب «ب» را داشته باشد، در این صورت «الف» شاکی است و اگر ضرر و زیان خود را درخواست نماید مدعی خصوصی می باشد. در جرائمی که مطابق با قانون جبران خسارت به واسطه حکم مستقیم دادگاه و بدون درخواست بزه دیده صورت نمی پذیرد مانند سرقت نیز، بزه دیده شاکی است.

❖ **ماده ۱۱:** تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی برعهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.



نکات مهم:

- ۱- دادستان نماینده جامعه است و وظیفه تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی را برعهده دارد؛ یعنی جرائمی که ارتکاب آن‌ها موجب تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی می‌شوند مثل جرائم: محاربه، بغی، قلب سکه، اختلاس، شرب خمر و قوادی
- ۲- اصولاً همه جرائمی که جنبه عمومی دارند و به اصطلاح غیرقابل گذشت می‌باشند، تعقیب و اقامه دعوی آنها برعهده دادستان است.
- ۳- جرائمی که غلبه آن‌ها لطمه زدن به حقوق اشخاص است و به اصطلاح جرائم قابل گذشت نامیده می‌شود. مانند توهین و افترا، اقامه دعوی در این جرائم برعهده شاکی یا مدعی خصوصی می‌باشد.
- ۴- درخصوص تعقیب متهم دو اصل الزامی بودن تعقیب و مناسب بودن تعقیب وجود دارد.

❖ **ماده ۱۲:** تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.
تبصره: تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.

- ۱- مطابق با تبصره ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: جرائم قابل گذشت جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

- ۱- جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات،
- ۲- فصل قذف،
- ۳- جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشد،
- ۴- انتقال مال غیر و کلاهبرداری به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ (یعنی بیش از یک میلیون ریال) نباشد در صورت داشتن بزه‌دیده،
- ۵- کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری در صورت داشتن بزه‌دیده،
- ۶- جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آن‌ها مقرر شده باشد یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب شود در صورت داشتن بزه‌دیده،
- ۷- سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱)، (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دوپست میلیون ریال نباشد و سارق سابقه مؤثر کیفری نداشته باشد،
- ۸- کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده،
- ۹- جعل در اسناد غیررسمی،
- ۱۰- استفاده از سند مجعول،
- ۱۱- دریافت نوشته یا سندی به ضرر افراد غیررشدید با استفاده از ضعف نفس شخصی،
- ۱۲- توهین
- ۱۳- سقط جنین زن حامله به واسطه آزار و اذیت،
- ۱۴- عدم اعاده طفلی که به فرد سپرده شده است،
- ۱۵- رها نمودن طفل در محل خالی از سکنه،
- ۱۶- ایجاد مزاحمت به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی،
- ۱۷- تدلیس در ازدواج،
- ۱۸- افشای اسرار به مناسبت شغل،
- ۱۹- الزام دیگری به دادن نوشته یا سند با استفاد از جبر، قهر، اکراه یا تهدید،
- ۲۰- تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سر،
- ۲۱- سوءاستفاده از سفید مهر و سفید امضا،
- ۲۲- خیانت در امانت،
- ۲۳- آتش زدن اموال و اشیاء منقول متعلق به دیگری،
- ۲۴- تخریب یا از کار انداختن یا تلف اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری،
- ۲۵- تلف یا ناقص کردن حیوان،
- ۲۶- اتلاف اسناد یا اوراق تجارتي یا غیرتجارتی و غیردولتی،
- ۲۷- تخریب باغ یا تاکستان دیگری،
- ۲۸- از بین بردن اصله نخل خرما،
- ۲۹- هتک حرمت منازل،
- ۳۰- تصرف ملک دیگری،
- ۳۱- ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق بعد از خلع ید،
- ۳۲- ورود به عنف یا تهدید به منزل دیگری،
- ۳۳- افترا،
- ۳۴- نشر اکاذیب،
- ۳۵- افترای عملی،
- ۳۶- انتشار هجویات،
- ۳۷- ایراد صدمه بدنی غیرعمدی منجر به نقصان یا ضعف دائم،
- ۳۸- ایراد صدمه بدنی غیرعمدی،
- ۳۹- انتشار صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی،
- ۴۰- شروع به جرم و معاونت در کلیه جرائم فوق‌الذکر.

۲- مطابق با ماده ۱۰۴ قانون و ماده ۱۱ اصلاحی قانون کاهش حبس تعزیری، جرائم قابل گذشت عبارت‌اند از:



مدرسان شریف

فصل سوم

«وظایف و اختیارات دادستان»

❖ ماده ۶۴: جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است:

- الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی
 ب - اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن
 پ - وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس
 ت - اظهار و اقرار متهم
 ث - اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

📖 نکات مهم:

- ۱- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت به منظور شروع به تعقیب و استمرار تعقیب الزامی است.
- ۲- در جرائم قابل گذشت صرفاً در صورت وجود بند (الف) ماده ۶۴ (شکایت شاکی یا مدعی خصوصی) امکان تعقیب متهم وجود دارد.
- ۳- در جرائم غیرقابل گذشت برای شروع به تعقیب، الزامی به شکایت شاکی یا مدعی خصوصی وجود ندارد و در صورت وجود هر کدام از بندهای (ب) تا (ث) نیز امکان تعقیب متهم وجود دارد.
- ۴- دادستان مکلف است که تمام جرائم غیرقابل گذشت را تعقیب نماید. (اصل الزامی بودن تعقیب)
- ۵- در خصوص تعقیب قضات مطابق با مواد ۳۹ و ۴۰ قانون نظارت بر رفتار قضات اگر قاضی متهم به جرم عمد می‌باشد یا جرم ارتكابی غیرعمدی بوده اما تعقیب یا اجرای حکم مستلزم جلب یا بازداشت قاضی باشد، دادستان باید قبل از تعقیب از دادگاه عالی انتظامی قضات تعلیق قاضی را تقاضا نماید و در صورت موافقت این دادگاه دادستان می‌تواند قاضی را تعقیب نماید.
- ۶- سایر جرائم غیرعمدی که دارای شرایط فوق نیست تعقیب قاضی با اجازه دادستان انتظامی قضات انجام می‌شود.
- ۷- دادستان تنها با اعلام و اخبار (ضابطان دادگستری، مقامات رسمی و اشخاص موثق و مطمئن) تعقیب را شروع می‌کند.
- ۸- برای شروع به تعقیب اطلاع دادستان از هر طریق قانونی دیگر الزامی است و نه سایر مقامات قضایی.

📖 مثال ۱: کدام یک از موارد زیر از جمله جهات قانونی برای شروع به تعقیب نمی‌باشد؟

- (۱) اطلاع بازپرس از وقوع جرم از طرق قانونی
 (۲) اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن
 (۳) اظهار و اقرار متهم
 (۴) اعلام و اخبار ضابطان دادگستری

☑ پاسخ: گزینه «۱» اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر از جمله جهات قانونی برای شروع به تعقیب است و نه بازپرس.

❖ ماده ۶۵: هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد، اما اگر اعلام‌کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.



نکات مهم:

۱- اگر کسی اعلام کند که ناظر وقوع جرم بوده و جرم قابل گذشت باشد تا زمانی که شاکی یا مدعی خصوصی شکایت نکند امکان تعقیب جرم ارتكابی توسط دادستان وجود ندارد. این موضوع در مواردی که شخص ناظر نبوده اما به هر طریقی اطلاع می‌دهد نیز لازم‌الاجرا است.

گزارش می‌دهند دو گروه هستند:	۱- گزارش دهنده ناظر وقوع جرم بوده است. ۲- گزارش دهنده ناظر وقوع جرم نبوده است.	۱- اگر قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد.	← شروع به تعقیب انجام می‌شود.
		۱- دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.	← شروع به تعقیب انجام می‌شود. در غیر این صورت به صرف ادعا نمی‌توان شروع به تعقیب کرد.
		۲- اگر جرم از جمله جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.	← شروع به تعقیب کرد.

مثال ۲: اظهارات اعلام‌کننده جرمی که شاهد قضیه نبوده در چه صورتی قابل پذیرش برای شروع به تعقیب است؟

(۱) در صورتی که جرم از جرائم غیرقابل گذشت باشد. (۲) در صورتی که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.

(۳) در صورتی که جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد. (۴) گزینه‌های ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۴» اظهارات شخصی که شاهد وقوع جرم نبوده در صورتی باعث شروع تعقیب است که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.

مثال ۳: اعلام جرم در کدام صورت از موجبات قانونی تعقیب دعوای عمومی است؟ (وکالت ۹۴)

(۱) اعلام‌کننده ناظر وقوع جرم بوده و جرم غیرقابل گذشت باشد و به علاوه قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد.

(۲) اعلام‌کننده ناظر وقوع جرم باشد، خواه جرم مذکور قابل گذشت یا غیرقابل گذشت باشد.

(۳) فقط جرم از جرائم قابل گذشت بوده و اعلام‌کننده ناظر وقوع آن باشد.

(۴) جرم غیرقابل گذشت و در عین حال مشهود باشد.

پاسخ: گزینه «۱» با توجه به ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام‌کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد. یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد.»

ماده ۶۶: سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه کنند.

تبصره ۳- به موجب بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور نسخ صریح شده است.

تبصره ۴- اجرای این ماده به رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.

نکات مهم:

۱- سازمان‌های مردم‌نهاد این اختیارات را دارند:	۱- حق اعلام جرم ۲- معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا ۳- حق ارائه دلیل به دادگاه ۴- حق شرکت در جلسات
------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------



- ۱- اطفال و نوجوانان
 ۲- زنان
 ۳- اشخاص بیمار و دارای ناتوان جسمی یا ذهنی
 ۴- محیطزیست
 ۵- میراث فرهنگی
 ۶- بهداشت عمومی
 ۷- حقوق شهروندی
- ۲- سازمان‌های مردم‌نهادی که امکان اعمال اختیارات فوق را دارند، عبارت‌اند از:

۳- در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد تنها حق اعلام جرم و ارائه دلیل دارند و حق شرکت در جلسات دادرسی را ندارند.

۴- سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعتراض به آرای دادگاه‌ها را ندارند.

۵- اخذ رضایت جهت اقدام توسط سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص الزامی است.

۶- لزوم اخذ رضایت: (۱- قیم یا ولی یا سرپرست قانونی) اگر بزه‌دیده (طفل، مجنون یا سفیه در جرائم مالی) مگر آنکه ولی قیم یا سرپرست قانونی خود مرتکب

جرم شده باشند که در این صورت سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت (قیم اتفاقی یا تأیید دادستان) اقدام می‌نمایند.

کلمه مثال ۴: اگر ولی یا قیم یا سرپرست قانونی طفل یا مجنون یا در جرائم مالی سفیه، خود مرتکب جرم شوند، سازمان‌های مردم‌نهاد با رضایت چه

کسانی می‌توانند اعلام جرم کنند؟

(۲) با رضایت طفل یا مجنون یا سفیه و تأیید دادستان

(۱) با رضایت طفل یا مجنون یا سفیه

(۴) با اخذ رضایت دادستان یا بازپرس

(۳) با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به ماده ۶۶ اگر ولی یا قیم یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مردم‌نهاد با اخذ رضایت قیم اتفاقی

تأیید دادستان، می‌توانند اعلام جرم کنند.

کلمه مثال ۵: اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد دارای مجوز، در کدام فرض پذیرفته می‌شود؟ (وکالت ۹۸)

(۱) فقط در جرائم غیرقابل گذشت که نسبت به موضوع مورد حمایت آنان ارتکاب یافته و اسامی این سازمان‌ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد.

(۲) در هر جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت مندرج در اساسنامه آنان ارتکاب یافته و اسامی این سازمان‌ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد.

(۳) در جرم قابل گذشت که دارای بزه‌دیده خاص است، هرچند بدون رضایت وی باشد.

(۴) در جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت آنان ارتکاب یافته، هرچند در اساسنامه آنها درج نشده باشد.

پاسخ: گزینه «۲» مستنداً به م ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری: یکی از شرایط اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد این است که نسبت به

جرائمی می‌توانند اعلام جرم کنند که نسبت به موضوع مورد حمایت مندرج در اساسنامه آنان ارتکاب یافته باشد.

کلمه مثال ۶: شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در مراحل دادرسی، در کدام یک از جرائم زیر، منوط به اخذ رضایت بزه‌دیده است؟ (فضاوت ۹۸)

(۱) تمام جرائم قابل گذشت

(۲) دارای بزه‌دیده خاص

(۳) قابل گذشت که دارای بزه‌دیده محجور باشند، با رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی

(۴) قابل گذشت دارای بزه‌دیده خاص

پاسخ: گزینه «۲» مستنداً به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان‌های مردم‌نهاد یا (NGO)ها دارای دو اختیار اعلام جرم و شرکت در تمامی

مراحل دادرسی هستند، ولی هرگاه جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاصی باشد، کسب رضایت آنان برای شرکت در جلسه رسیدگی ضروری است.



مدرسان شریف

فصل ششم

«احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان»

مبحث اول - احضار، جلب و تحقیق از متهم

❖ ماده ۱۶۸: بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

نکات مهم:

۱- احضار یا جلب توسط بازپرس تنها در صورت توجه اتهام به متهم و با دلیل کافی امکان پذیر است.

۲- در صورت جلب یا احضار بدون دلیل متهم توسط بازپرس موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۳- تفاوت احضار با جلب تفاوت در اجبار نزد مقام قضایی است.

❖ مثال ۱: احمد علیه بهرام شکایت کیفری مطرح می کند. در کدام صورت، بازپرس می تواند بهرام را احضار کند؟
 (۱) دارای سابقه کیفری باشد.
 (۲) دلایل کافی برای احضار موجود باشد.
 (۳) فراری باشد.
 (۴) مشهور به فساد باشد.

❑ پاسخ: گزینه «۲» با توجه به ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

❖ ماده ۱۶۹: احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می شود.

نکات مهم:

۱- احضار متهم از طریق ارسال احضاریه انجام می شود.

۲- احضاریه در دو نسخه تنظیم می شود.

۳- ابلاغ یک نسخه به متهم

۴- ابلاغ نسخه دوم به مأمور ابلاغ

❖ ماده ۱۷۰: در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می شود و به امضاء مقام قضایی می رسد.

تبصره - در جرائمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضا کند علت احضار ذکر نمی شود، اما متهم می تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند.

❖ نکته: مقصود از علت احضار دلیل کلی فراخوان شخص است نه جهات جزئی مندرج در پرونده.

❖ ماده ۱۷۱: فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.

نکات مهم:

۱- فاصله بین ابلاغ احضاریه و زمان حضور در دادسرا حداقل پنج روز است.

۲- فاصله بین ابلاغ احضاریه و زمان حضور در دادگاه حداقل یک هفته است.



❖ **ماده ۱۷۲:** ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود.

📖 **نکات مهم:**

۱- مأموران ابلاغ هنگام ابلاغ احضاریه لباس رسمی به تن ندارند.

۲- مأموران ابلاغ هنگام ابلاغ احضاریه باید کارت شناسایی خود را ارائه دهند.

❖ **ماده ۱۷۳:** هرگاه شخص احضار شده بی‌سواد باشد مأمور ابلاغ، مفاد احضاریه را به وی تفهیم می‌کند.

📖 **نکته:** الزام مأمور ابلاغ به تفهیم احضاریه برای شخص احضار شده بی‌سواد.

❖ **ماده ۱۷۴:** هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق

دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های کنیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک‌ماه از تاریخ نشر آگهی احضار می‌شود. در این صورت بازپرس پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.

تبصره - در جرائمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضا کند، عنوان اتهام در آگهی موضوع این ماده ذکر نمی‌شود.

📖 **نکات مهم:**

۱- با وجود هر سه این شرایط ابلاغ احضاریه از طریق روزنامه انجام می‌شود: }
 ۱- ابلاغ احضاریه به دلیل معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد. یعنی متهم شناسایی شده ولی محل اقامت وی معلوم نباشد.
 ۲- ابلاغ به طریق دیگر ممکن نباشد. مانند تلفن، نمابر، ایمیل و ...
 ۳- اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد.

۲- اگر متهم شناسایی نشده باشد یا اینکه متهم شناسایی شده و محل اقامت وی معلوم باشد، اما متهم در محل اقامت خود حضور نداشته باشد ابلاغ از طریق روزنامه صورت نمی‌گیرد.

۳- در مورد جرائم (۱- فرار از خدمت، ۲- صدور چک بلامحل) ابلاغ از طریق نشر آگهی صورت نمی‌گیرد و آخرین نشانی مرتکب در پرونده کارگزینی و در بانک محال‌علیه اقامتگاه قانونی وی محسوب می‌شوند.

📖 **مثال ۲:** در احضاریه، به تشخیص مقام قضایی، کدام یک از موارد زیر درج نمی‌شود؟ (وکالت ۹۸)

(۱) امضای مقام قضایی (۲) علت احضار (۳) نتیجه عدم حضور (۴) تاریخ حضور

☑ **پاسخ:** گزینه «۲» مستنداً به تبصره م ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری (البته در مورد نظامیان نتیجه عدم حضور هم در این موارد قید نمی‌شود).

❖ **ماده ۱۷۵:** استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح

شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.

تبصره - شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی موضوع این ماده براساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

❖ **ماده ۱۷۶:** قوه قضائیه می‌تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند. چگونگی اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که

ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزرای دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره - شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی موضوع این ماده براساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

📖 **نکته:** امکان واگذاری ابلاغ اوراق قضایی به بخش خصوصی.

❖ **ماده ۱۷۷:** سایر ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق قضایی براساس قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌گیرد.

📖 **نکات مهم:**

۱- اگر زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید.

۲- ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید.

۳- در دعاوی راجع به اشخاص حقوقی دادخواست و ضمائم آن به مدیر یا قائم مقام او یا دارنده حق امضا و در صورت عدم امکان به مسئول دفتر ابلاغ خواهد شد.



مدرسای شریف

فصل هفتم

«قراردای تأمین و نظارت قضایی»

❖ **ماده ۲۱۷:** به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قراردای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف

ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف

ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

ث - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله

خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قراردای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است.

تبصره ۳- در جرایم غیرعمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

نکات مهم

۱- قراردای فوق قرار تأمین کیفری هستند.

۲- قراردای تأمین کیفری از جمله قراردای اعدادی هستند.

۳- قراردای ذکر شده در این ماده تنها در مورد اشخاص حقیقی قابلیت اعمال دارند.

۴- علت صدور قرار تأمین:

- ۱- حفظ دسترسی به متهم و حضور به موقع وی
- ۲- جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او
- ۳- تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی

۵- امکان صدور قرار تأمین قبل از تفهیم اتهام و تحقیق وجود ندارد.

۶- در صورت حضور متهم و وجود دلایل کافی برای اتهام، در تمامی جرائم مراجع قضایی مکلف به صدور قرار تأمین کیفری است.



۱- بازداشت موقت	} ۷- مقام قضایی تنها می‌تواند یکی از قرارهای تأمین کیفری مقابل را صادر نماید:	
۲- اخذ وثیقه		
۳- اخذ کفیل		
۱- یا قول شرف		۴- التزام به حضور
۲- یا تعیین وجه التزام		} ۵- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی
۱- یا قول شرف		
۲- یا تعیین وجه التزام		
۳- یا تعیین وجه التزام از طریق نظارت یا تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت	۶- التزام به حضور	
۱- مستخدمان رسمی کشوری	} ۷- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مرجع	
۲- مستخدمان نیروهای مسلح		
با تعیین وجه التزام به دو صورت: ۱- هفتگی ۲- ماهانه	۱- قضایی	
	۲- انتظامی	

۸- در قرار با تعیین وجه التزام و کفالت، وجه‌الکفاله و وجه‌التزام ابتدا پرداخت نمی‌شود.

۹- در قرار وثیقه مبلغ تعیین شده از همان ابتدا دریافت می‌شود.

۱۰- شرایط التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروی مسلح به حضور با تعیین وجه التزام: ۱- موافقت متهم ۲- اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوطه

۱۱- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده منوط به موافقت متهم است.

صدور قرار اخذ کفیل منوط به تعیین وجه‌الکفاله است.

۱- وجه نقد	} ۱۲- انواع وثیقه:
۲- ضمانت‌نامه بانکی	
۳- مال غیرمنقول	
۴- مال منقول	

۱۳- در صورت عدم پذیرش قرار التزام به حضور با قول شرف، قرار التزام به حضور با تعیین وجه‌التزام صادر می‌شود.

۱۴- در صورت عدم پذیرش قرارهای التزام به حضور با وجه‌التزام، التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف یا وجه‌التزام و التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مراجع انتظامی یا قضایی قرار کفالت صادر می‌شود.

۱۵- ضمانت اجرای عدم اجرای قرار کفالت و قرار وثیقه، بازداشت متهم تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه است.

۱۶- در خصوص قرارهای التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف و التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه‌التزام، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی امکان‌پذیر است.

۱۷- اختیار انتخاب نوع وثیقه با متهم است.

۱۸- در جرائم غیرعمدی در صورت تضمین حقوق بزه‌دیده به طرق دیگر صدور قرار وثیقه و کفالت ممنوع است. بنابراین صدور این قرارها در مورد جرائم غیرعمدی مطلقاً ممنوع نیست.

کج مثال ۱: کدام یک از گزینه‌های زیر جزء اهداف قرارهای تأمین کیفری نمی‌باشد؟

- (۱) جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم
(۲) جلوگیری از تبانی متهم با سایر شرکاء شهود و مطلعین
(۳) تضمین حقوق بزه‌دیده
(۴) دسترسی و حضور به موقع متهم

پاسخ: گزینه «۲» به استناد صدر ماده جلوگیری از تبانی، از اهداف صدور قرار تأمین نمی‌باشد، بلکه فقط یکی از اهداف صدور قرار بازداشت موقت است.

کج مثال ۲: در صورتی که متهم با قرار تأمین التزام مستخدمان رسمی یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه‌التزام موافقت ننماید باز پرس باید
(۱) آن را به قرار کفالت تبدیل نماید.
(۲) باید آن را به بازداشت موقت تبدیل کند.
(۳) باید قرار تأمین مناسب دیگری صادر نماید.
(۴) هیچ کدام

پاسخ: گزینه «۳» در دو قرار تأمین التزام مستخدمان رسمی و قرار عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده صدور قرار باید با موافقت متهم باشد و اگر وی موافقت ننماید باز پرس باید قرار تأمین متناسب دیگری صادر نماید، این در صورتی است که مطابق با تبصره ۱ ماده ۲۱۷ در صورتی که متهم قرارهای بندهای «ب» تا «ت» را مورد پذیرش قرار ندهد، باز پرس باید آن را به قرار کفالت تبدیل نماید.



مدرسان شریف

فصل هشتم

«اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات»

❖ **ماده ۲۶۲:** بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای براءت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به‌عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا براءت مؤثر باشد بازپرس مکلف به رسیدگی است.

نکات مهم:

۱- بازپرس زمانی مکلف به اخذ آخرین دفاع از متهم است که از نظر وی متهم جرم را انجام داده است و بازپرس قصد صدور قرار جلب به دادرسی را داشته باشد.
 ۲- در مواردی که از نظر بازپرس متهم بی‌گناه است و بازپرس قصد صدور قرار منع تعقیب را دارد مکلف به اخذ آخرین دفاع از متهم نیست.
 ❖ **ماده ۲۶۳:** در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ‌یک از آنان بدون اعلام عذر موجه حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.

نکات مهم:

۱- ارائه آخرین دفاع توسط متهم حق وی می‌باشد.
 ۲- اگر متهم یا وکیل وی برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشوند، بازپرس نمی‌تواند متهم را جلب نماید یا حاضر کردن متهم را از کفیل یا وثیقه‌گذار بخواهد.
 ۳- متهم می‌تواند به جای اینکه شخصاً در دادسرا حاضر شود وکیل خود را به دادسرا بفرستد.
 ❖ **ماده ۲۶۴:** پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب اعلام کند.

نکات مهم:

۱- مهلت اعلام نظر نهایی بازپرس در مورد پرونده حداکثر پنج روز است.
 ۲- بازپرس تنها می‌تواند تصمیم خود را در قالب قرار بیان نماید.

کلمه مثال ۱: بازپرس در چه صورتی مجاز به احضار برای اخذ آخرین دفاع است و از چه کسی یا کسانی مجاز به اخذ آخرین دفاع است؟

(۱) پس از پایان تحقیقات، از متهم یا وکیل وی

(۲) پس از پایان تحقیقات، از متهم

(۳) پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، از متهم یا وکیل وی

(۴) پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، از متهم

☑ **پاسخ:** گزینه «۳» بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم باید به متهم یا وکیل وی اعلام کند که برای براءت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به‌عنوان آخرین دفاع بیان کند.

کلمه مثال ۲: ضمانت اجرای عدم حضور متهم پس از احضار برای تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع بدون اعلام عذر موجه به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) متهم جلب می‌شود، متهم جلب می‌شود.

(۲) متهم جلب نمی‌شود، بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می‌شود.

(۳) متهم مجدداً با ذکر نتیجه عدم حضور احضار می‌شود، متهم جلب می‌شود.

(۴) متهم مجدداً با ذکر نتیجه عدم حضور احضار می‌شود، بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می‌شود.

☑ **پاسخ:** گزینه «۲» در مورد تفهیم اتهام براساس همین قانون در صورتی که متهم بدون اعلام عذر موجه پس از احضار حضور نیابد، به دستور مقام قضایی جلب می‌شود. اما در مورد اخذ آخرین دفاع باید گفت که چون اخذ آخرین دفاع جزء حقوق متهم است، لذا در صورتی که حتی بدون اعلام عذر موجه حضور نیابد بازپرس حق جلب وی را نداشته بلکه بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می‌نماید.



کلمه مثال ۳: در چه صورتی بازپرس مکلف است که به صورت مستدل و مستند عقیده خود را در قالب قرار اعلام کند؟

(۱) پس از پایان تحقیقات لازم و در صورت وجود دلیل کافی بر وقوع جرم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات

(۲) پس از پایان تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات

(۳) پس از پایان تحقیقات لازم و در صورت وجود دلیل کافی و اعلام ختم تحقیقات

(۴) پس از پایان تحقیقات لازم و اعلام ختم تحقیقات

پاسخ: گزینه «۲» بازپرس پس از پایان تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات باید عقیده خود را به صورت مستدل و مستند ظرف مدت پنج روز در قالب قرار مناسب اعلام کند.

کلمه مثال ۴: بازپرس پس از انجام و اعلام کفایت و ختم تحقیقات باید ظرف چند روز عقیده خود را اعلام کند؟

(۱) ده روز (۲) سه روز (۳) پنج روز (۴) همان روز

پاسخ: گزینه «۳» بازپرس حداکثر باید ظرف پنج روز از تاریخ اعلام کفایت و ختم تحقیقات عقیده خود را به صورت مستدل و مستند و در قالب قرار مناسب اعلام کند.

ماده ۲۶۵: بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات فوق اقدام می‌شود.

نکات مهم:

- ۱- قرار منع تعقیب در دو مورد صادر می‌شود:
 - ۱- عمل ارتكابی جرم نباشد.
 - ۲- ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد.
- ۲- در قرار موقوفی تعقیب مقام قضایی بدون توجه به اینکه رفتار ارتكابی جرم است یا نه و صرف‌نظر از اینکه متهم مرتکب جرم شده یا نه به دلیل اینکه مقنن ادامه تعقیب متهم را جایز ندانسته است، صادر شود.
- ۳- تفاوت قرار منع تعقیب با حکم برائت در این است که قرار منع تعقیب در مرحله تحقیقات مقدماتی و حکم برائت در مرحله رسیدگی در دادگاه صادر می‌شود.
- ۴- قرار جلب به دادرسی در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم صادر می‌شود.
- ۵- در صورت صدور قرار منع تعقیب یا قرار جلب به دادرسی پرونده فوری نزد دادستان ارسال می‌شود.
- ۶- دادستان مکلف است که ظرف سه روز از تاریخ وصول این قرارها اعلام نظر کتبی کند.
- ۷- در مواردی که قرارهای نهایی توسط دادیار صادر شده باشد باید در همان روز به نظر دادستان برسد و دادستان ظرف ۲۴ ساعت نسبت به آن‌ها اظهار نظر کند.

ماده ۲۶۶: چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.

تبصره - هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات که برای کشف حقیقت لازم نباشد، موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است.

نکات مهم:

- ۱- اگر پس از اخذ تصمیم نهایی توسط بازپرس و صدور قرار مربوطه پرونده جهت اظهار نظر نزد دادستان ارسال شود و دادستان صرف‌نظر از موافق یا مخالف بودن با اصل قرار تحقیقات بازپرسی را کامل نداند با ذکر مواردی که برای کشف حقیقت لازم است تکمیل تحقیقات از بازپرس را می‌خواهد. در این صورت بازپرس مکلف به انجام تحقیقات مورد نظر دادستان است.
- ۲- در مواردی که دادستان تحقیقات را کامل نداند بازپرس حق مخالفت ندارد و موظف است تحقیقات اعلام شده توسط دادستان را انجام دهد.
- ۳- تحقیقات اعلام شده توسط دادستان به بازپرس باید به تفصیل و بدون ابهام در پرونده درج شود.

کلمه مثال ۵: کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

(۱) قرار منع و موقوفی تعقیب صادره توسط بازپرس باید به تأیید دادستان برسد.

(۲) قرارهای تأمین منتهی به بازداشت به غیر از قرار بازداشت موقت صادره توسط بازپرس، نیازی به تأیید دادستان ندارد.

(۳) در صورتی که دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، بازپرس به این امر موافق نباشد حل اختلاف با دادگاه صالح است.

(۴) تمام قرارهای نهایی قرارهای تأمین منتهی به بازداشت متهم اعم از بازداشت موقت، کفالت و وثیقه باید به تأیید دادستان برسد.

پاسخ: گزینه «۳» در صورتی که دادستان تحقیقات بازپرسی را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و بازپرس مکلف است که این تحقیقات را انجام دهد.



مدرسان شریف

بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی

فصل اول

«تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری»

❖ ماده ۲۹۴: دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.

نکات مهم:

- ۱- انواع دادگاه‌های کیفری: ۱- دادگاه کیفری یک ۲- دادگاه کیفری دو ۳- دادگاه انقلاب ۴- دادگاه اطفال و نوجوانان ۵- دادگاه نظامی
 ۲- صلاحیت یعنی دادگاه قانوناً امکان رسیدگی به دعوا یا شکایت را داشته باشد یا شایستگی قانونی مرجع قضایی نسبت به شروع رسیدگی به دعوا یا شکایت است.
 ۳- انواع صلاحیت: ۱- ذاتی ۲- محلی

- ۱- صنف: { اداری ← مثل دیوان عدالت اداری
 قضایی ← مثل دادگاه کیفری دو
 ۲- نوع: { عمومی ← مثل دادگاه کیفری دو
 اختصاصی ← مثل دادگاه انقلاب
 ۳- درجه: { بدوی
 تجدیدنظر

۵- در صورت وجود تعارض برای تعیین صلاحیت ابتدا باید به ویژگی متهم، سپس عنوان مجرمانه و سپس به نوع یا میزان مجازات توجه شود.

📌 مثال ۱: نسبت صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان نسبت به دادگاه کیفری دو و نیز دادرسی نوجوانان با دادرسی عمومی و انقلاب چگونه است؟
 ۱) اختصاصی - تخصصی ۲) اختصاصی - اختصاصی ۳) تخصصی - اختصاصی ۴) تخصصی - تخصصی

✅ پاسخ: گزینه «۱» دادگاه اطفال و نوجوانان جزو دادگاه‌های اختصاصی می‌باشد و با دادگاه کیفری دو اختلاف صلاحیت ذاتی، اما دادرسی نوجوانان شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب است و فقط در جهت تخصصی شدن شعب است و اختلاف ذاتی با دادرسی عمومی و انقلاب ندارد.

❖ ماده ۲۹۵: دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرسی علی‌البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

نکات مهم:

- ۱- محل تشکیل دادگاه کیفری دو حوزه قضایی هر شهرستان است.
 ۲- دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرسی علی‌البدل تشکیل می‌شود.
 ۳- دادگاه کیفری دو با وحدت قاضی به پرونده رسیدگی می‌کند.
 ❖ ماده ۲۹۶: دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است. به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.
 تبصره ۲- دادرسی علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند. بلامانع است.
 تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است.



نکات مهم:

- ۱- دادگاه کیفری یک شامل یک رئیس و دو مستشار است.
- ۲- دادگاه کیفری یک با حضور دو عضو رأی رسمیت می‌یابد.
- ۳- در صورت عدم حضور رئیس ریاست دادگاه به عهده عضو مستشار است که سابقه قضایی بیشتری دارد.
- ۴- محل تشکیل دادگاه کیفری یک مرکز استان و در حوزه قضایی شهرستان به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.
- ۵- در حوزه‌هایی که دادگاه کیفری یک تشکیل نشده است به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.
- ۶- امکان عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در موارد با تعدد قاضی با انتخاب رئیس کل دادگستری استان
- ۷- دادگاه کیفری استان به دادگاه کیفری یک تبدیل شده است.
- ۸- دادگاه عمومی جزایی به دادگاه کیفری دو تبدیل شده است.
- ۹- دادگاه کیفری یک با تعدد قاضی تشکیل می‌شود.

کج مثال ۲: مرجع رسیدگی به حل اختلاف بین بازپرس و دادستان در صدور قرار منع تعقیب است. (سراسری ۹۱)

- ۱) حسب مورد دادگاه کیفری دو، انقلاب و کیفری یک
- ۲) دادگاه کیفری دو
- ۳) حسب مورد دادگاه کیفری دو و انقلاب
- ۴) دادگاه صالحه

پاسخ: گزینه «۱» طبق تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۷۱ این قانون حل اختلاف بین بازپرس و دادستان با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اتهام را دارد.

ماده ۲۷۱- «مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.»

کج مثال ۳: دادگاه کیفری دو با حضور تشکیل می‌شود. (سراسری ۹۱)

- ۱) رئیس دادگاه یا دادرسی علی‌البدل و دادستان یا نماینده او در صورت تشخیص ضرورت توسط دادگاه
- ۲) رئیس دادگاه یا دادرسی علی‌البدل
- ۳) رئیس دادگاه و دادستان عمومی و انقلاب محل
- ۴) رئیس دادگاه و منشی

پاسخ: گزینه «۱» مواد ۲۹۵ و تبصره ۳ ماده ۲۹۶.

ماده ۲۹۵- «دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرسی علی‌البدل در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.»
ماده ۲۹۶- «دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضایی بیشتری دارد.»

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.
 تبصره ۲- دادرسی علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاه‌های تجدیدنظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.
 تبصره ۳- دادگاه‌های کیفری استان و عمومی جزایی موجود به ترتیب به دادگاه‌های کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی نیز جاری است.»

کج مثال ۴: کدام مقام قضایی، عهده‌دار دفاع از کیفرخواست در دادگاه کیفری یک است؟ (سراسری ۹۴)

- ۱) دادستان دادرسی حوزه قضایی صلاحیت‌دار و یا معاون او
- ۲) دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون و یا یکی از دادیاران به انتخاب دادستان
- ۳) دادستان محل دستگیری متهم
- ۴) دادستان حوزه قضایی محل وقوع جرم

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به تبصره (۳) ماده ۲۹۶ دادگاه کیفری یک جایگزین دادگاه کیفری استان شده است و طبق این قانون دفاع از کیفرخواست در دادگاه کیفری یک با دادستان یا نماینده او می‌باشد.



مدرسان شریف

فصل دوم

«رسیدگی به ادله اثبات»

❖ **ماده ۳۱۸:** ادله اثبات در مورد امور کیفری شامل مواردی می‌شود که در قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده است. تشریفات رسیدگی به ادله به شرح مواد این فصل است. ادله اثبات در امور کیفری عبارت‌اند از: ۱- اقرار ۲- شهادت ۳- سوگند ۴- قسامه ۵- علم قاضی

❖ **ماده ۳۱۹:** عین اظهارات مفید اقرار در صورت مجلس درج می‌شود و متن آن قرائت می‌شود، به امضاء یا اثرانگشت اقرارکننده می‌رسد و هرگاه اقرارکننده از امضاء یا اثرانگشت امتناع ورزد، تأثیری در اعتبار اقرار ندارد، مراتب امتناع یا عجز از امضاء یا اثرانگشت باید در صورت مجلس قید شود و به امضا و مهر قاضی و منشی برسد.

📖 نکات مهم:

۱- عین اظهارات مفید اقرار باید در صورت مجلس بدون دخل و تصرف درج شود، متن برای مقرر قرائت گردد و به امضا یا اثرانگشت اقرارکننده برسد.

۲- در صورتی که اقرارکننده مفاد اقرار را امضا نکرده یا اثرانگشت نزد تأثیری در اعتبار اقرار ندارد و این اقرار نیز معتبر است.

❖ **ماده ۳۲۰:** شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود، چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور جلب می‌شود.

تبصره - در احضار به شاهد یا مطلع باید موضوع شهادت یا کسب اطلاع و نتیجه عدم حضور ذکر شود.

۱- جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد.

۲- کشف حقیقت و احقاق حق متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد.

۳- عدم حضور در جلسه دادگاه بدون عذر موجه

📖 نکته: در صورت وجود این شرایط شاهد یا مطلع جلب می‌شوند:

📖 مثال ۱: چنانچه شاهد برای حضور در دادگاه احضار شود و شاهد بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و احقاق حق متوقف بر شواهد شاهد باشد، در این صورت:

۱) به دستور دادگاه جلب می‌شود.

۲) در صورت وجود ضرورت جلب می‌شود.

۳) مجدداً احضار می‌شود.

۴) مجدداً با قید نتیجه عدم حضور که جلب است احضار می‌شود.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» با استنادات اخیر ماده ۳۲۰ اگر احقاق حق و کشف حقیقت متوقف بر شهادت شاهد باشد در صورت وجود ضرورت حضور به دستور دادگاه جلب می‌شود.

❖ **ماده ۳۲۱:** هرگاه به علت بیماری که برای مدت طولانی یا نامعلوم، غیرقابل رفع است، حضور شاهد و یا مطلع در جلسه دادگاه مقدور نباشد، رئیس دادگاه یا یکی از قضات عضو شعبه، با حضور نزد شاهد یا مطلع، اظهارات وی را استماع می‌کند.

📖 نکته: در صورت عدم امکان حضور شاهد یا مطلع رئیس دادگاه یا یکی دیگر از قضات با حضور نزد شاهد و یا مطلع اظهارات او را استماع می‌کند.

❖ **ماده ۳۲۲:** دادگاه پیش از شروع به تحقیق از شاهد، حرمت و مجازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌نماید و سپس نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، شماره شناسنامه و شماره ملی، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری شاهد و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی او با طرفین را سؤال و در صورت مجلس قید می‌کند.

تبصره - رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت شرعی نیست.

❖ **ماده ۳۲۳:** شاهد بیش از ادای شهادت باید به شرح زیر سوگند یاد کند:

«به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم.»

تبصره - در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت وی استماع می‌شود و در مورد مطلع، اظهارات وی برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود.

📖 نکته: اگر شاهد از اتیان سوگند خودداری کند اگر احقاق حق متوقف بر شهادت باشد شاهد بدون سوگند استماع می‌شود و در مورد مطلع، اظهارات وی برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود.



❖ **ماده ۳۲۴:** دادگاه آن دسته از ویژگی‌های ظاهری جسمی و روانی شاهد را که ممکن است در ارزیابی شهادت مؤثر باشد در صورت مجلس قید می‌کند.
❖ **ماده ۳۲۵:** دادگاه پرسش‌هایی را که برای روشن شدن موضوع و رفع اختلاف یا ابهام لازم است از شهود و مطلعان مطرح می‌کند.
نکته: دادگاه اختیار دارد هر سؤالی را که در جهت روشن شدن موضوع لازم است از شهود و مطالعات و رفع اختلاف یا ابهام لازم است از شهود و مطلعان مطرح نمایند.

❖ **ماده ۳۲۶:** هنگامی که دادگاه، شهادت شاهد یک طرف دعوی را استماع نمود، به طرف دیگر اعلام می‌کند، چنانچه پرسش‌هایی از شاهد دارد، می‌تواند مطرح کند.

❖ **ماده ۳۲۷:** دادگاه می‌تواند از شهود به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و یا با متهم اقدام لازم را انجام دهد و بعد از تحقیقات انفرادی برحسب درخواست متهم یا مدعی خصوصی یا با نظر خود مجدداً به صورت انفرادی یا جمعی از شهود تحقیق نماید.
نکته: قاضی می‌تواند بعد از تحقیقات انفرادی برحسب درخواست متهم، مدعی خصوصی و یا با نظر خود مجدداً به صورت انفرادی یا جمعی از شهود تحقیق نماید.

❖ **ماده ۳۲۸:** قطع کلام شهود در هنگام ادای شهادت ممنوع است. هر یک از اصحاب دعوی و دادستان می‌توانند سؤالات خود را با اذن دادگاه مطرح می‌کند. ممنوعیت قطع کلام شهود در هنگام ادای شهادت.

❖ **ماده ۳۲۹:** شهود نباید پس از ادای شهادت بدون اذن دادگاه متفرق شوند.

نکته: ممنوعیت متفرق شدن شاهدان پس از ادای شهادت بدون اذن دادگاه

❖ **ماده ۳۳۰:** وقت جلسه‌ای که برای استماع شهادت تعیین می‌شود، باید از قبل به اطلاع دادستان و طرفین یا وکلای آنان برسد. حضور این اشخاص در هنگام استماع شهادت ضروری نیست، ولی می‌توانند صورت مجلس و ادای شهادت را ملاحظه کنند.

نکات مهم:

۱- عدم لزوم حضور دادستان و وکلا و طرفین دعوا در هنگام استماع شهادت شهود.

۲- امکان ملاحظه صورت مجلس ادای شهادت توسط دادستان و طرفین و وکلای آنان.

❖ **ماده ۳۳۱:** تقاضای سوگند قابل توکیل است و وکیل در دعوی می‌تواند در صورتی که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد طرف را سوگند دهد، اما سوگند یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل سوگند یاد کند.

نکات مهم:

۱- امکان قابل توکیل بودن تقاضای سوگند

۲- عدم امکان قابل توکیل بودن سوگند یاد کردن

مثال ۲: کدام گزینه صحیح است؟

(۱) وکیل حتی در صورت عدم تصریح در وکالت‌نامه می‌تواند تقاضای سوگند کند. (۲) تقاضای سوگند و اتیان سوگند هیچ‌کدام قابل توکیل نمی‌باشد.

(۳) رابطه قرابت نسبی پاسخ پذیرش شهادت شرعی است. (۴) هیچ‌کدام

پاسخ: گزینه «۴» هیچ‌کدام از گزینه‌های فوق صحیح نمی‌باشد.

❖ **ماده ۳۳۲:** در مواردی که مطابق قانون فصل خصومت یا اثبات دعوی با سوگند محقق می‌شود، هر یک از اصحاب دعوی می‌تواند از حق سوگند خود استفاده کند. در حق الناس، سوگند متهم منوط به مطالبه صاحب حق است و دادگاه بدون مطالبه صاحب حق نمی‌تواند متهم را سوگند دهد.

نکته: در حق الناس سوگند متهم منوط به مطالبه صاحب حق است و دادگاه بدون مطالبه صاحب حق نمی‌تواند متهم را سوگند دهد.

❖ **ماده ۳۳۳:** سوگند به درخواست اصحاب دعوی مطابق قرار دادگاه و نزد قاضی به عمل می‌آید. در قرار دادگاه، موضوع سوگند و شخصی که باید سوگند یاد کند، تعیین می‌شود. صورت مجلس ادای سوگند به امضای قاضی و طرفین دعوی می‌رسد.

نکات مهم:

۱- سوگند به درخواست اصحاب دعوی به عمل می‌آید.

۲- سوگند مطابق با قرار دادگاه به عمل می‌آید.

۳- سوگند باید نزد قاضی دادگاه به عمل آید.

۴- در قرار صادره از دادگاه موضوع سوگند و شخصی که باید سوگند یاد کند تعیین می‌شود.

❖ **ماده ۳۳۴:** هرگاه شخصی که باید سوگند یاد کند، به دلیل عذر موجه، نتواند در دادگاه حاضر شود، قاضی می‌تواند وقت دیگری برای سوگند معین کند یا خود نزد وی حاضر شود و در آن محل، سوگند را استماع کند و یا استماع آن را به قاضی دیگری نیابت دهد.

نکات مهم:

۱- در مواردی که شخص باید سوگند یاد کند ولی به دلیل

عذر موجه نتواند در دادگاه حاضر شود، قاضی می‌تواند یکی

از سه راهکار مقابل را اتخاذ نماید:

۱- وقت دیگری را برای سوگند معین کند.

۲- خود قاضی شخصاً نزد کسی که باید سوگند یاد کند حاضر شود و سوگند را استماع نماید.

۳- استماع سوگند را به قاضی دیگری نیابت دهد.

۲- موارد عذر موجه همان موارد تصریح شده در ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.



مدرسان شریف

فصل چهارم

«رسیدگی در دادگاه کیفری یک»

مبحث اول - مقدمات رسیدگی

❖ **ماده ۳۸۲:** دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرائمی که مطابق قانون لزوماً به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود، در این صورت انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات برعهده دادگاه کیفری یک است.

📖 نکات مهم:

- ۱- رسیدگی در دادگاه کیفری یک تنها با صدور کیفرخواست امکان‌پذیر است.
- ۲- در صورت رسیدگی مستقیم دادگاه کیفری یک انجام تحقیقات مقدماتی برعهده دادگاه کیفری یک است.

📖 **مثال ۱:** رسیدگی به جرم لواط در دادگاه کیفری یک به چه نحوی است؟

- ۱) پس از صدور کیفرخواست به این جرم رسیدگی می‌شود.
- ۲) پس از انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطین و یا بازپرس در دادسرا و تکمیل و ارسال آن به این دادگاه رسیدگی صورت می‌پذیرد.
- ۳) پس از انجام تحقیقات مقدماتی توسط این دادگاه به این جرم رسیدگی می‌شود.
- ۴) بدون انجام تحقیقات توسط این دادگاه به جرم او رسیدگی می‌شود.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به ماده ۳۰۶ به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود و با توجه به ماده ۳۸۲ در جرائمی که مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات برعهده دادگاه کیفری یک است

❖ **ماده ۳۸۳:** در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند.

📖 نکات مهم:

- ۱- قرار رسیدگی در پرونده‌هایی که بدون کیفرخواست به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مطرح می‌شود، صادر می‌گردد.
- ۲- صدور قرار رسیدگی به‌منزله اعلام پایان تحقیقات مقدماتی پرونده و توجه اتهام به متهم برای شروع دادرسی است.
- ۳- قرار رسیدگی همان قرار جلب به دادرسی در دادسرا می‌باشد.
- ۴- قرار رسیدگی معادل قرار جلب به دادرسی و صدور کیفرخواست در دادسرا است.

📖 **مثال ۲:** قرار رسیدگی، توسط کدام مرجع قضایی و در چه مواردی صادر می‌شود؟

- ۱) دادگاه کیفری یک - آنگاه که به پرونده «به‌طور مستقیم» رسیدگی می‌کند.
- ۲) حسب مورد، دادگاه کیفری یک یا دو - هرگاه پس از ارسال پرونده از دادسرا، خود را صالح به رسیدگی تشخیص دهد.
- ۳) دادگاه کیفری یک - هرگاه که به قرارهای منع یا موقوفی تعقیب دادسرا اعتراض شده و اعتراض نسبت به آن را موجه تشخیص دهد.
- ۴) حسب مورد دادگاه کیفری یک یا دو - وقتی که به قرارهای منع یا موقوفی تعقیب دادسرا اعتراض شده و اعتراض نسبت به آن را موجه تشخیص دهد.

✅ **پاسخ:** گزینه «۱» با توجه به ماده ۳۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری: در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم منسوب نشود یا ارتکابی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند.

کج مثال ۳: شخصی متهم به زناى محصنه است و دادگاه صالح، تحقیقات مقدماتی را در این مورد انجام می‌دهد. اگر پس از پایان تحقیقات مقدماتی، دادگاه ادله را برای انتساب جرم به متهم کافی بداند، چه قرار یا حکمی صادر می‌کند؟ (قضاوت ۹۶)

(۱) قرار رسیدگی (۲) قرار جلب دادرسی (۳) حکم محکومیت (۴) قرار مجرمیت

پاسخ: گزینه «۱» مطابق با ماده ۳۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در صورتی که پرونده به صورت مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی شود، چنانچه دادگاه پس از پایان تحقیقات مقدماتی متهم را قابل تعقیب دانسته یا موارد قرار منع تعقیب تشخیص نداده مبادرت به صدور قرار رسیدگی می‌نماید. ماده ۳۸۳ «در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند».

❖ ماده ۳۸۴: پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف ۵ روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ۱۰ روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رئیس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.

نکات مهم:

۱- لزوم معرفی وکیل برای جرائم موجب (۱- سلب حیات، ۲- قطع عضو، ۳- قصاص عضو نصف دیه و بیشتر، ۴- حبس ابد، ۵- تعزیری درجه ۱ تا ۳ و ۶- مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌شود) در دادگاه کیفری یک

۲- اخطار مدیر دفتر دادگاه ظرف مدت ۵ روز برای معرفی حداکثر ۱۰ روزه وکیل

۳- در صورت عدم معرفی وکیل توسط متهم، وکیل تسخیری برای او تعیین می‌شود.

❖ ماده ۳۸۵: هریک از طرفین می‌تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. استعفاى وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود.

نکته: امکان تعیین سه وکیل تعیینی برای دادگاه کیفری یک توسط متهم

❖ ماده ۳۸۶: در صورتی که هریک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است.

نکته: حضور یکی از وکلای برای تشکیل جلسه دادگاه کیفری یک کافی است.

❖ ماده ۳۸۷: پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می‌کند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند، تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ۱۰ روز از تاریخ اتمام مهلت قبلی، به تشخیص دادگاه بلامانع است.

نکات مهم:

۱- اعطای مهلت ۱۰ روز به متهم و وکیل، شاکی، مدعی خصوصی یا وکیل آنان برای اعطای ایرادها و اعتراض‌ها

۲- امکان تمدید مهلت ۱۰ روزه برای یک بار به تشخیص دادگاه

❖ ماده ۳۸۸: متهم و شاکی یا مدعی خصوصی یا وکلای آنان باید تمام ایرادها و اعتراض‌های خود از قبیل مرور زمان، عدم صلاحیت، رد دادرسی یا قابل تعقیب نبودن عمل انتسابی، نقص تحقیقات و لزوم رسیدگی به ادله دیگر یا ادله جدید و کافی نبودن ادله را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کنند. پس از اتمام مدت مذکور، هیچ ایرادی از طرف اشخاص مزبور پذیرفته نمی‌شود، مگر آنکه جهت ایراد پس از مهلت، کشف و یا حادث شود. در هر حال، طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه، پیش از اتمام مهلت ممنوع است.

نکات مهم:

۱- پس از اتمام مهلت ۱۰ روز هیچ ایرادی از طرف طرفین دعوا پذیرفته نمی‌شود.

۲- طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه، پیش از اتمام مهلت ممنوع است.

❖ ماده ۳۸۹: پس از اتمام مهلت اعم از آنکه ایراد و اعتراضی واصل شده یا نشده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. رئیس دادگاه، پرونده را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه ارجاع می‌کند. عضو مذکور حداکثر ظرف ده روز، گزارش مبسوط راجع به اتهام و ادله و جریان پرونده را تهیه و تقدیم رئیس می‌کند. دادگاه به محض وصول گزارش، جلسه مقدماتی اداری را تشکیل می‌دهد و با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض‌های اصحاب دعوی به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف - در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند.

ب - هرگاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند.

پ - در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه، فوری آزاد می‌شود.

تبصره - دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، دادستان یا نماینده او، شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدماتی دعوت کند.



مدرسان شریف

فصل دوم

«کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان»

❖ ماده ۴۴۸: پرونده‌ها پس از وصول به دادگاه تجدیدنظر استان به ترتیب در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه و رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی در این واحد ثبت می‌شود و با رعایت ترتیب شعب دادگاه، به وسیله رئیس کل دادگستری استان یا معاون او و یا یکی از رؤسای شعب به انتخاب وی با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول از طریق سامانه رایانه‌ای در حوزه‌های قضایی که سامانه رایانه‌ای دارند، ارجاع می‌شود.

❖ ماده ۴۴۹: دادگاه به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. تبصره - به جرائمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

رسیدگی به جرائمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی می‌شود با درخواست دادستان و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان به صورت خارج از نوبت انجام می‌شود.

❖ ماده ۴۵۰: رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می‌دهد. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید:

الف - در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدیدنظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید.

ب - هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

پ - هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می‌کند.

ت - اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر می‌کند.

ث - در غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات‌های حدود، قصاص و جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به طور مطلق و در جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضاء، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می‌کند. طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست.

نکات مهم:

- ۱- طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست.
- ۲- اگر تحقیقات ناقص باشد قرار رفع نقص صادر می‌شود و پرونده به دادگاه یا دادسرا ارسال می‌شود.
- ۳- در صورت ناقص بودن تحقیقات دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود تحقیقات را انجام دهد.
- ۴- اگر رأی از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی یا محلی صادر شده باشد دادگاه تجدیدنظر رأی صادره را نقض و پرونده را به مرجع صالح می‌فرستد، حتی اگر طرفین اعتراض نکرده باشند.

- | | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---|--------------------------------------------------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱- جرائم تعزیری درجه ۶ و ۷ در صورت محکومیت به حبس ۲- جرائم تعزیری درجه ۴ و ۵ ۳- جرائم غیرعمدی مستوجب بیش از نصف دیه ۴- جرائم مستوجب قصاص ۵- جرائم مستوجب حد | } | در این مورد دادگاه تجدیدنظر الزاماً طرفین را برای رسیدگی دعوت کند: |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---|--------------------------------------------------------------------|



مدرسان شریف

بخش هشتم: آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح

فصل اول: «کلیات»

قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳

❖ **ماده ۵۷۱:** سازمان قضایی نیروهای مسلح که در این قانون به اختصار سازمان قضایی نامیده می‌شود، شامل دادسرا و دادگاه‌های نظامی به شرح مواد آتی است.

❖ **ماده ۵۷۲:** رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح از بین قضاتی که حداقل پانزده سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند، توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

📖 **نکته:** در رأس سیستم دادرسی دادگاه‌ها و دادسرای نظامی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح قرار دارد.

❖ **ماده ۵۷۳:** رئیس سازمان قضایی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضایی استان‌ها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران را نیز برعهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد.

تبصره - ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان همچنین تغییر سمت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکصدوشصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. رئیس سازمان قضایی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

📖 **نکات مهم:**

۱- مقصود از رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی تهران است.

۲- دادگاه‌های نظامی بخشی از قوه قضائیه است و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح صرفاً می‌تواند پیشنهادات خود را به رئیس قوه قضائیه بدهد.

📖 **مثال:** رئیس سازمان قضایی:

- ۱) ریاست شعبه اول دادگاه نظامی یک استان تهران را دارا است.
- ۲) ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران را دارا است.
- ۳) علاوه بر ریاست شعبه اول دادگاه نظامی یک استان تهران، ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی تهران را نیز برعهده دارد.
- ۴) ریاست شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران را دارا است.

✅ **پاسخ:** گزینه «۲» مطابق با ماده ۵۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری.

❖ **ماده ۵۷۴:** معاونان و مدیران کل سازمان قضایی می‌توانند با ابلاغ رئیس قوه قضائیه، عضو دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدیدنظر نظامی تهران نیز باشند.

تبصره - مقررات این ماده فقط درباره دارندگان پایه قضایی و یا قضات نظامی قابل اجرا است.

📖 **نکته:** معاونان و مدیران کلی از سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌توانند از سوی رئیس قوه قضائیه به عنوان قاضی دادگاه‌های نظامی یک و یا تجدیدنظر تهران منصوب شوند که قاضی یا دارنده یکی از پایه‌های قضایی باشند.

❖ **ماده ۵۷۵:** هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

تبصره ۱- دعوای اعسار از پرداخت محکوم به موضوع این ماده باید به طرفیت یگان محکوم‌له دعوای اصلی اقامه شود.

تبصره ۲- یگان متضرر از جرم، حق طرح دعوی، دفاع و پیگیری دعوی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی را مطابق مقررات مربوط دارد و گذشت یگان مذکور مسموع نیست.

📖 **نکات مهم:**

۱- نحوه جبران خسارت و ضرر و زیان به نیروهای مسلح: } ۱- تکلیف یگان مربوط به تسلیم تمام ادله و مدارک
۲- تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه قبل از اعلام ختم دادرسی

۲- لزوم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در خصوص این مورد ۳- حق گذشت برای یگان نیروهای مسلح وجود ندارد.

❖ **ماده ۵۷۶:** رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

📖 **نکته:** تکلیف به رعایت مقررات ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت طرح دعوای ضرر و زیان در دادگاه نظامی

❖ **ماده ۵۷۷:** تخلف از مقررات مواد (۵۷۵)، (۶۰۶)، (۶۰۷)، (۶۱۳) و تبصره (۳) ماده (۶۰۳) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یکسال می‌شود.

📖 **نکته:** این ضمانت اجرا ضمانت اجرای کیفری است.



مدرسان شریف

فصل دوم

«تشکیلات دادسرا و دادگاه‌های نظامی»

❖ **ماده ۵۷۸:** در مرکز هر استان، سازمان قضایی استان متشکل از دادسرا و دادگاه‌های نظامی است. در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود. حوزه قضایی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۱- دادستان نظامی استان بر اقدامات قضات دادسرای نظامی ناحیه از حیث وظایفی که برعهده دارند نظارت دارد و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

تبصره ۲- رئیس دادسرای نظامی ناحیه که معاون دادستان نظامی مرکز استان است علاوه بر نظارت قضایی، بر امور اداری نیز ریاست دارد.

تبصره ۳- حوزه قضایی هر استان به تعداد لازم شعب دادگاه و دادسرا و نیز تشکیلات مورد نیاز از قبیل واحد ابلاغ اجرای احکام و واحد ارشاد و معاضدت قضایی دارد و در صورت تعدد شعب دادگاه و دادسرا هر یک دارای دفتر کل نیز می‌باشد.

📖 **نکته:** تشکیل دادسرای نظامی ناحیه در شهرستان‌ها در صورت نیاز به تشخیص رئیس قوه قضائیه

📖 **مثال ۱:** کدام گزینه در مورد دادسراهای نظامی ناحیه صحیح است؟

- (۱) دادسرای نظامی ناحیه همواره در شهرستان‌ها توسط رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود.
- (۲) دادسرای نظامی ناحیه در صورت نیاز در شهرستان‌ها توسط رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و حوزه قضایی آن همانند دادسرای شهرستان است.
- (۳) دادسرای نظامی ناحیه در صورت نیاز در شهرستان‌ها تشکیل می‌شود و حوزه قضایی آن به تشخیص رئیس قوه قضائیه مشخص می‌شود.
- (۴) دادسرای نظامی ناحیه در صورت نیاز در شهرستان‌ها تشکیل می‌شود و حوزه قضایی آن به تشخیص رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح مشخص می‌شود.

✅ **پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به ماده ۵۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در شهرستان‌ها در صورت نیاز دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود و حوزه قضایی دادسرای نواحی به تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

❖ **ماده ۵۷۹:** رئیس سازمان قضایی استان، رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی است و بر کلیه شعب دادگاه و دادسرای نظامی استان نظارت و ریاست اداری دارد. تصدی امور اداری در غیاب رئیس سازمان با معاون وی و در غیاب آن‌ها با دادستان نظامی استان است.

📖 **نکات مهم:**

- ۱- رئیس سازمان قضایی استان، رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی است.
- ۲- نظارت و ریاست اداری بر کلیه شعب دادگاه و دادسرای نظامی استان با رئیس سازمان قضایی استان است.
- ۳- در صورت غیاب رئیس سازمان قضایی استان تصدی امور اداری با معاون وی و در صورت غیاب معاون وی با دادستان نظامی استان است.

📖 **مثال ۲:** تصدی امور اداری در غیاب رئیس سازمان قضایی استان با چه کسی است؟

- | | |
|--------------------------------------------|-------------------------|
| (۱) دادستان نظامی | (۲) دادستان استان تهران |
| (۳) دادستان شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان | (۴) معاون وی |

✅ **پاسخ:** گزینه «۴» مطابق ماده ۵۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، تصدی امور اداری در غیاب رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان با معاون او و در صورت غیاب آن‌ها با دادستان نظامی استان است.

❖ **ماده ۵۸۰:** در صورت نیاز به تشخیص رئیس قوه قضائیه، یک یا چند شعبه از دادگاه‌های نظامی استان در دادسرای نواحی موضوع ماده‌ی (۵۷۸) این قانون مستقر می‌شود.



❖ **ماده ۵۸۱:** اختیارات و وظایف رئیس، دادستان و دیگر مقامات قضایی سازمان قضایی استان با رعایت مقررات این بخش، همان اختیارات و وظایفی است که حسب مورد برای رؤسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌های عمومی و انقلاب و سایر مقامات قضایی دادگستری مقرر شده است.

تبصره - گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است ولیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.

❖ **ماده ۵۸۲:** دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از:

- الف) دادگاه نظامی دو
ب) دادگاه نظامی یک
پ) دادگاه تجدیدنظر نظامی
ت) دادگاه نظامی دو زمان جنگ
ث) دادگاه نظامی یک زمان جنگ
ج) دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ

نکته: دادگاه‌های نظامی عبارت‌اند از:

۱- نظامی دو
۲- نظامی یک
۳- تجدیدنظر نظامی
۴- نظامی دو زمان جنگ
۵- نظامی یک زمان جنگ
۶- تجدیدنظر نظامی زمان جنگ

❖ **ماده ۵۸۳:** وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است مگر مواردی که در این بخش به نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود.

❖ **ماده ۵۸۴:** دادگاه نظامی یک در مرکز هر استان تشکیل می‌شود.

نکته: اگر چنانچه در مرکز استان دادگاه نظامی یک تشکیل نشده باشد به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیک‌ترین دادگاه نظامی یک حوزه‌های قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

❖ **ماده ۵۸۵:** به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادرسی نظامی مرکز استان رسیدگی می‌شود:

الف) نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند.

ب) نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ نباشند.

نکته: رسیدگی به جرائم نظامی در مرکز استان:

۱- درجه سرهنگی شاغل در محل سرتیپ دومی و بالاتر
۲- درجه سرتیپ دومی

❖ **مثال ۳:** دادرسی صالح برای رسیدگی به جرائم نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل هستند کدام دادرسی است؟

- ۱) دادرسی نظامی مرکز استان
۲) دادرسی نظامی استان تهران
۳) دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان
۴) دادرسی عمومی و انقلاب استان تهران

❑ **پاسخ:** گزینه «۱» با توجه به ماده ۵۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادرسی نظامی مرکز استان رسیدگی می‌شود. الف) نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند. ب) نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نباشند.»

❖ **مثال ۴:** آقای محمودی دارای درجه سرهنگی می‌باشد، لکن در محل سرتیپ دومی شاغل است و مرتکب جرم نظامی گشته است. مرجع صالح به رسیدگی به جرم وی کدام است؟

- ۱) دادگاه نظامی محل وقوع جرم
۲) دادگاه نظامی تهران
۳) دادگاه نظامی مرکز استان
۴) دادگاه نظامی یک مرکز استان

❑ **پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به ماده ۵۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نظامیانی که دارای درجه سرهنگی بوده که در محل‌های سرتیپ دومی و بالاتر شاغل هستند زمانی که مرتکب جرم نظامی می‌شوند دادگاه نظامی مرکز استان به جرم آنان رسیدگی می‌کند.

❖ **ماده ۵۸۶:** با انتخاب رئیس سازمان قضایی استان عضویت مستشاران دادگاه تجدیدنظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان بلامانع است.

نکته: رئیس سازمان قضایی استان اختیار عضویت دادن مستشاران دادگاه تجدیدنظر نظامی را در دادگاه‌های نظامی یک استان دارا است.



مدرسان شریف

بخش دهم

«آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای»

- ❖ **ماده ۶۶۴:** علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارند:
- الف - داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند که به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شود.
- ب - جرم از طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (ir .) ارتکاب یابد.
- پ - جرم توسط تبعه ایران یا غیر آن در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تارنماهای مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یابد.
- ت - جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب ایرانی یا غیرایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود.
- ❖ **ماده ۶۶۵:** چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار و در صورت اقتضاء صدور کیفرخواست می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.
- 📖 **نکته:** در صورت عدم تشخیص محل وقوع جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه ایران، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد.
- ❖ **ماده ۶۶۶:** قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت، شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.
- تبصره - مقامات قضایی دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب می‌شوند.
- ❖ **ماده ۶۶۷:** ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.
- تبصره ۱- داده ترافیک، هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.
- تبصره ۲- اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا قرارداد اینترنت (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود.
- ❖ **ماده ۶۶۸:** ارائه دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجادشده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند.
- ❖ **ماده ۶۶۹:** هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی می‌توانند دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا بیست و چهار ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضایی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌های حفاظت شده را افشاء کنند یا اشخاصی که داده‌های مزبور به آنها مربوط می‌شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضایی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند.
- تبصره ۱- حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشاء آنها نیست و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.
- تبصره ۲- مدت زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضایی قابل تمدید است.
- ❖ **ماده ۶۷۰:** مقام قضایی می‌تواند دستور ارائه داده‌های حفاظت شده مذکور در مواد (۶۶۷)، (۶۶۸) و (۶۶۹) این قانون را به اشخاص یاد شده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد. خودداری از اجرای این دستور و همچنین عدم نگهداری و عدم مواظبت از این داده‌ها موجب مجازات مقرر در ماده (۶۶۹) این قانون می‌شود.
- ❖ **ماده ۶۷۱:** تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی که عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد.



مدرسان شریف

بخش یازدهم

«آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی»

❖ **ماده ۶۸۸:** هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست. تبصره - فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.

📖 نکات مهم:

۱- اخطار به شخص حقوقی به معرفی نماینده قانونی یا وکیل در صورت توجه اتهام به آن، ۲- عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست.
۳- فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.

❖ **ماده ۶۸۹:** پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود.

📖 نکات مهم:

۱- تبیین اتهام شخص حقوقی برای نماینده شخص حقوقی

۲- هیچ‌یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد نماینده قانونی شخص حقوقی اعمال نمی‌شود.

❖ **ماده ۶۹۰:** در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصراً صدور قرارهای تأمین زیر امکان پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف - قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب - قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود.
تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

۱- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

۲- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود.

۳- قرارهای فوق انحصاری هستند.

۴- قرارهای تأمین شخص حقوقی ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

۵- در صورت تخلف از قرارهای تأمین شخص حقوقی متخلف به یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت محکوم می‌شود.

📖 نکته: قرارهای

تأمین شخص حقوقی به

شرح مقابل است:

❖ **ماده ۶۹۱:** در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی صدور قرار تأمین خواسته طبق مقررات این قانون بلامانع است.

❖ **ماده ۶۹۲:** در صورت انحلال غیرارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

📖 نکته: صدور قرار موقوفی و اجرای مجازات در صورت انحلال غیرارادی شخص حقوقی

❖ **ماده ۶۹۳:** اجرای احکام مربوط به اشخاص حقوقی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است.

❖ **ماده ۶۹۴:** در صورتی که شخص حقوقی دارای شعب یا واحدهای زیرمجموعه متعدد باشد، مسئولیت کیفری تنها متوجه شعبه یا واحدی است که جرم منتسب به آن است. در صورتی که شعبه یا واحد زیرمجموعه براساس تصمیم مرکزیت اصلی شخص حقوقی اقدام کند، مسئولیت کیفری متوجه مرکزیت اصلی شخص حقوقی نیز می‌باشد.

📖 نکات مهم:

۱- در صورتی که شخص حقوقی دارای شعب یا واحدهای زیرمجموعه متعدد باشد، مسئولیت کیفری تنها متوجه شعبه یا واحدی است که جرم منتسب به آن است.

۲- در صورتی که شعبه یا واحد زیرمجموعه براساس تصمیم مرکزیت اصلی شخص حقوقی اقدام کند، مسئولیت کیفری متوجه مرکزیت اصلی شخص حقوقی نیز می‌باشد.

❖ **ماده ۶۹۵:** اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست.

📖 نکته: اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست.

❖ **ماده ۶۹۶:** در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر نشده است مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود.



مدرسان شریف

بخش دوازدهم

«سایر مقررات»

- ❖ **ماده ۶۹۷:** دولت موظف است به تکالیف مقرر در اجرای احکام مواد (۶۵۰)، (۶۵۲) و (۶۵۴) تا (۶۵۶) این قانون با توجه به بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در مدت باقی مانده اجرای آن عمل نماید. بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد.
- ❖ **ماده ۶۹۸:** از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است.
- ❖ **ماده ۶۹۹:** این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به عنوان بخش های هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و مقررات هر دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجراء است.



مدرسان شریف

بخش سیزدهم

«قوانین خاص»

در این قسمت به مهم‌ترین مواد قانونی، قوانین خاص مربوط به آیین دادرسی کیفری پرداخته می‌شود.

آیین‌نامه ویژه روحانیت

- ❖ ماده ۳: دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.
- ❖ ماده ۴: مسئولیت، ریاست و نظارت همه دادرسی‌ها به عهده دادستان منصوب خواهد بود.
- ❖ ماده ۷: عزل و نصب دادستان‌ها و دادیاران دادرسی‌ها ویژه شهرستان با اخذ تمایل از آنان به عهده دادستان منصوب خواهد بود.
- ❖ ماده ۸: معاونین دادرسی‌ها به پیشنهاد دادستان همان دادرسی و ابلاغ دادستان منصوب تعیین خواهد شد.
- ❖ ماده ۱۰: حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌گردد.
- ❖ ماده ۱۲: کارمندان دفتری دادگاه با هماهنگی حاکم شرع شعبه اول تعیین می‌گردند.
- ❖ ماده ۱۳: دادرسی‌ها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند.
الف - کلیه جرائم روحانیون
ب - کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون
پ - کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.
ت - کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.
تبصره ۱- در مواردی که دادرسی ویژه، رسیدگی به پرونده‌ای را به سایر مراجع قضایی ذی‌ربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند.
تبصره ۲- در مورد بند (پ) رسیدگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد.
تبصره ۳- کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استناداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، و مدیران کل اطلاعات استان‌ها که به لحاظ روحانی بودن نامبرندگان فوق پرونده آنان در دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می‌گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد.
- ❖ ماده ۱۴: دعای حقوقی و مدنی علیه روحانیون مطابق قوانین در دادگاه‌های مدنی و حقوقی رسیدگی خواهد شد مگر موارد خاصی که برحسب ضرورت رسیدگی آن «به نظر دادستان منصوب» در دادگاه ویژه اصلح باشد. در این صورت دادرسی‌ها و دادگاه‌ها موظفند که با درخواست دادرسی و دادگاه ویژه پرونده را ارسال نمایند.
- ❖ ماده ۱۵: سایر دادرسی‌ها در اموری که نسبت به روحانیون از آن‌ها سلب صلاحیت گردیده، حق ورود، تحقیق و تعقیب را ندارند، مگر با اجازه دادستان ویژه حوزه قضایی مربوطه.
- ❖ ماده ۱۶: روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.
- ❖ ماده ۱۷: تخلفات قضات و کارمندان دادرسی و دادگاه ویژه که در حین یا به سبب خدمت مرتکب شده‌اند، زیر نظر مستقیم دادستان منصوب و رئیس شعبه اول دادگاه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.
- ❖ ماده ۳۰: احاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه قضایی دیگر در اختیار دادستان منصوب خواهد بود.
- ❖ ماده ۳۱: اتهامات شرکا، معاونین و مرتبیین متهم روحانی در دادرسی و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.
- ❖ ماده ۳۲: در خصوص تعقیب کیفری دارندگان پایه قضایی به جز قضات که لازم است قبلاً توسط دادرسی ویژه درخواست تعلیق شود و دادرسی و دادگاه انتظامی قضات ظرف مدت ۲۰ روز موظف به اظهار نظر می‌باشد و در غیر این صورت یا در موارد اضطراری «به تشخیص دادستان منصوب» اقدام قضایی خواهد شد و موضوع به اطلاع ریاست قوه قضائیه خواهد رسید.
- تبصره - از آنجا که هدف قانونگذار از تعلیق قاضی قبل از رسیدگی به اتهام حفظ شئون قضا و قضایی می‌باشد در صورتی که متهم مایل باشد و کتباً تقاضای رسیدگی به پرونده را بنماید دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت می‌تواند بدون انجام تعلیق اقدام به رسیدگی نماید.

- ❖ **ماده ۳۳:** در جرائم جزئی که تحقیقات مقدماتی آن کامل شده یا نیاز به تحقیقات نباشد، دادستان بلافاصله ادعای کیفری خود را در دادگاه مطرح نموده و دادگاه حکم صادر می‌نماید.
- ❖ **ماده ۳۴:** قرارهای صادره به جز موارد زیر پس از موافقت دادستان قطعی است.
- الف - قرار بازداشت موقت که در صورت اعتراض متهم در فرجه قانونی توسط دادستان کل ویژه روحانیت یا معاون قضایی وی خارج از نوبت بررسی می‌گردد و چنانچه اعتراض متهم را وارد تشخیص دهند قرار بازداشت موقت را نقض و پرونده به منظور اخذ تأمین مناسب دیگر به شعبه صادر کننده قرار اعاده می‌گردد.
- ب - قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب که در صورت اعتراض شاکی یا مدعی خصوصی در فرجه قانونی در دادگاه ویژه روحانیت قابل رسیدگی است.
- ❖ **ماده ۳۷:** متهمی که با وثیقه یا کفالت یا وجه التزام آزاد شده باشد، چنانچه در وقت مقرر بدون عذر موجه حاضر نشود وجه التزام به دستور دادستان ضبط می‌شود و به وثیقه‌گذار یا کفیل نیز اخطار می‌شود که ظرف مدت بیست روز متهم را تسلیم نماید، در صورت عدم تسلیم، وجه‌الکفاله یا مورد وثیقه به دستور دادستان ضبط خواهد شد.
- ❖ **ماده ۳۸:** دادسرا می‌تواند شهود و مطلعین را احضار نماید، در صورت استنکاف به دستور دادستان جلب خواهد شد.
- ❖ **ماده ۳۹:** دادگاه ویژه به جرائمی رسیدگی می‌کند که مطابق این قانون در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه بوده و پرونده امر از طریق دادسرا به همراه کیفرخواست به دادگاه ارائه شده باشد.
- تبصره - چنانچه دادگاه در خلال رسیدگی از جرائم جدیدی آگاه شود مجاز به رسیدگی و صدور حکم خواهد بود.
- ❖ **ماده ۴۰:** ارجاع پرونده به شعب دادگاه و ایجاد هماهنگی بین آنها و نظارت بر حسن جریان امور به عهده حاکم شرع شعبه اول خواهد بود.
- ❖ **ماده ۴۱:** در صورت اختلاف بین دادسرا و دادگاه از جهت صلاحیت رسیدگی، پرونده همراه دلایل طرفین جهت حل اختلاف نزد ریاست شعبه اول دادگاه ارجاع خواهد شد، نظر آن مرجع لازم‌الاتباع است.
- ❖ **ماده ۴۲:** احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به قوانین موضوعه و موازین شرع باشد.
- تبصره - در موارد استثنایی و مواردی که در شرع و قانون مجازات مشخصی تعیین نگردیده حاکم می‌تواند مستدلاً براساس نظر خود اقدام به صدور حکم نماید.
- ❖ **ماده ۴۳:** دادگاه مجرمینی را که با ارتکاب جرم، موجب هتک حیثیت و شئون روحانیت گردیده‌اند و یا افرادی که فاقد صلاحیت پوشیدن لباس روحانیت هستند را به خلع لباس روحانیت (به صورت دائم یا موقت) محکوم می‌نماید.
- تبصره - کسانی که از حکم دادگاه در مورد پوشیدن لباس تخلف کنند به حکم دادگاه ویژه به مجازات تعزیری محکوم خواهند شد.
- ❖ **ماده ۴۷:** نقل و انتقال قضات دادسرا و دادگاه ویژه که در دادگستری نیز شاغل می‌باشند، با هماهنگی دادستان منصوب و رئیس شعبه اول دادگاه بر حسب سمت صورت می‌گیرد.
- ❖ **ماده ۴۸:** احکام دادگاه‌های ویژه روحانیت از سوی محکوم علیه یا شاکی یا قائم مقام قانونی آنان قابل اعتراض است و در صورت عدم اعتراض در فرجه قانونی قطعی خواهد شد.
- تبصره ۱- چنانچه دادستان کل ویژه روحانیت احکام قطعی یا غیرقطعی دادگاه ویژه روحانیت را خلاف شرع یا خلاف قانون بداند نسبت به رأی صادره اعتراض نموده و عنداللزوم حکم را متوقف می‌کند و پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌نماید.
- تبصره ۲- چنانچه دادستان مجری حکم رأی صادره را خلاف موازین تشخیص دهد بدو اعتراض خود را به قاضی صادرکننده تذکر می‌دهد. در صورت عدم قبول قاضی، پرونده را همراه با نظریه مستدل نزد دادستان منصوب ارسال می‌نماید و دادستان منصوب برابر تبصره یک اقدام خواهد کرد.
- تبصره ۳- چنانچه متعاقب اعتراض محکوم علیه یا شاکی یا تذکر دادستان کل ویژه روحانیت یا دادستان مجری حکم، قاضی دادگاه ویژه روحانیت متوجه اشتباه خود در حکم صادره شود، در صورتی که موضوع از مصادیق بند (ب) ماده ۴۹ باشد رأی اصلاحی صادر می‌نماید و در غیر این صورت پس از نقض حکم، پرونده را جهت رسیدگی توسط شعبه دیگر به دفتر دادگاه‌های ویژه روحانیت اعاده می‌نماید.
- ❖ **ماده ۴۹:** دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت مرجع رسیدگی به اعتراض است که پس از وصول پرونده و رسیدگی به شرح زیر اقدام می‌نماید:
- الف- در صورتی که رأی را صحیح و منطبق با موازین شرع و قانون بداند آن را ابرام می‌کند.
- ب - در صورتی که اساس رأی صحیح بوده، ولی متضمن اشتباه جزئی در محاسبه محکوم به یا ماده استنادی و امثال آن باشد رأی اصلاحی صادر می‌نماید.
- پ - در صورتی که رأی صادره دارای ایراد ناشی از نقض تحقیقات باشد، دادگاه تجدیدنظر موارد نقض را مشخص نموده و رأی صادره را نقض و پرونده را جهت رفع نقص به دادگاه بدوی رسیدگی کننده اعاده می‌نماید. شعبه مزبور مکلف است پس از رفع نقص، حکم مقتضی صادر نماید.
- ت - در صورتی که رأی صادره دارای ایراد اساسی باشد آن را نقض نموده و رأساً رسیدگی و انشاء رأی می‌نماید. آراء صادره از محاکم تجدیدنظر قطعی است.
- ❖ **ماده ۵۰:** هر شعبه از دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت از یک رئیس و دو مستشار تشکیل و با اکثریت آراء اتخاذ تصمیم می‌نماید، رئیس محاکم ویژه روحانیت که منصوب از طرف مقام معظم رهبری است رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نیز می‌باشد، تعیین تعداد شعب و قضات آن و ارجاع پرونده به آنان بر طبق این آیین‌نامه خواهد بود.
- ❖ **ماده ۵۱:** محکوم علیه یا قائم مقام قانونی وی و دادستان کل ویژه روحانیت، مطابق قوانین مربوطه مجاز به تقاضای اعاده دادرسی در خصوص احکام قطعی دادگاه‌های ویژه روحانیت می‌باشند مرجع رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی و اتخاذ تصمیم در مورد آن، دادگاه تجدیدنظر ویژه روحانیت می‌باشد. دادستان منصوب یا نماینده وی می‌تواند در جلسه رسیدگی حضور یابد و نسبت به موضوع اظهار نظر کند.
- ❖ **ماده ۵۲:** به جز در مواردی که در این قانون تصریح شده است، وظایف و اختیارات قضات دادسرا و دادگاه برحسب مورد بر طبق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری می‌باشد.